

بررسی  
دوستی و خویشاوندی  
میان اهل بیت  
علیهم السلام  
و صحابه



مؤلف:  
محمد حسین امامی جو



## بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه:

مجموعه‌ای که در پیش رو دارید، بررسی برخی تابلوهایی است که در مکان‌های مقدّس مانند بقیع، احد و... نصب شده و به صورت کتاب نیز به چاپ رسیده است. این تابلوها درصدد نشان دادن این نکته‌اند که ازدواج‌ها و روابط خویشاوندی میان اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه، نشان‌گر سازگاری اعتقادات همه‌ی اهل بیت و همه‌ی صحابه و روابط بسیار خوب و نیکو بین آنان است. البته این نکته با آیات بسیاری در تناقض است.

از منظر قرآن کریم، نه روابط نسبی<sup>۱</sup> و نه سببی<sup>۲</sup> لزوماً بیان‌گر رضایت اخلاقی و اعتقادی طرفین نیست. گاه شرایط به‌گونه‌ای اقتضا کرده که بدون وجود رضایت مندی، ازدواج صورت گرفته است. مهم‌تر آن‌که به دلالت قرآن مجید، هیچ‌گاه نسب و سبب، عامل سعادت فرد نیست.

ابولهب - عموی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - به دلیل رابطه‌ی خویشاوندی با برترین نبی الهی، سعادت مند نشد؛ بلکه در اثر ایمان نیاوردن و تصمیم بر قتل نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمره‌ی جهنمیان قرار گرفت.<sup>۳</sup> همسران حضرت نوح و لوط علیهم‌السلام با وجود رابطه‌ی سببی با انبیای الهی، بهشتی معرفی نشدند؛ بلکه قرآن کریم، در توصیف آنان، واژه‌های «کافر»، «خائن»، «مجرم» و «وارد شده در آتش جهنم» را به‌کار برده است.<sup>۴</sup> آسیه همسر فرعون از زنان مؤمن و بهشتی، هرگز به اعمال همسرش رضایت نداد.<sup>۵</sup> پسر حضرت نوح نیز از ایمان پدرش سودی نبرد و در دریا غرق شد.<sup>۶</sup>

طبق آیات شریفه‌ی قرآن کریم، عده‌ای در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ادعای ایمان داشتند؛ ولی تاب هیچ‌گونه سختی را نداشته، با مسلمانان همراه نبودند. زمانی که نصرتی به مسلمانان می‌رسید، آن‌ها می‌گفتند: «إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ» یعنی ما با شما هستیم ای پیامبر! خداوند در ادامه نهیب می‌زند که خود به حقیقت دل‌هایشان آگاه است! به عبارت دیگر، قرآن تصریح می‌کند اینان که ادعای ایمان و همراهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را داشتند، مؤمن نیستند تا آن‌جا که برخی را منافق نامیده است.<sup>۷</sup>

**پس هر آن کس که در کنار خاتم رسولان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد ولی در دل به ایشان ایمان نداشته باشد، در جرگه‌ی**

**«والذین معه»<sup>۸</sup> نیست!<sup>۹</sup>**

۱. روابط خانوادگی، بدون ازدواج

۲. روابط خانوادگی، مبتنی بر ازدواج

۳. سوره‌ی مسد

۴. تحریم، ۱۰؛ اعراف، ۸۳؛ نمل، ۵۷؛ عنکبوت، ۳۲ و ۳۳.

۵. تحریم، ۱۱.

۶. هود، ۴۶.

۷. عنکبوت، ۱۰ و ۱۱.

۸. فتح، ۲۹.

۹. از «والذین معه» (کسانی که با پیامبرند) به فراوانی در تابلوهای پرسش‌آور

نصب شده در بقیع و احد، استفاده‌ی نامناسب شده است.

## در بررسی مدارک ارائه شده در درخت‌واره‌ها و تابلوها به این نکات رسیدیم:

۱. اغلب مطالب این نوشتار در گذشته به شکل‌های دیگری مطرح شده و پاسخ آن‌ها به تفصیل داده شده است.<sup>۱۰</sup> ولی نویسندگان این مجموعه به گونه‌ای وانمود می‌کنند که گویی کشف انحصاری و جدیدی داشته‌اند.
۲. بسیاری از مدارک به صورت ناقص مورد استفاده قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، جمله‌ای که به نفع نویسنده بوده، انتخاب شده و جملات قبل و بعد حذف یا نادیده گرفته شده است.
۳. برای ردّ عقاید شیعه به فراوانی از کتب اهل تسنن بهره برده است؛ در حالی که، می‌دانیم برای نقد و بررسی عقاید هر گروهی، باید از کتب مورد اعتماد خودشان استفاده شود.
۴. گاه شیعه به خاطر احتجاج به مدارک اهل تسنن استناد کرده است. روشن است که این مدارک، لزوماً معتقد شیعه نیستند. متأسفانه نویسنده از این موارد، به نادرستی استفاده کرده است. پس بیاییم بر سفره‌ی راستی و راست اندیشی بنشینیم و به دور از پیرایه‌ها، قطره‌ای از طعم حقیقت برگیریم.

## برای بهره‌گیری بیشتر خوانندگان گرامی از این کتاب، توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. چون مخالف در این مجموعه مباحث تکراری خود را به صورت ظاهراً نو و در قالب نگاره نشان داده است، ما هم بر آن شدیم تا پاسخ‌های کوتاه خود را به صورت تصویری ارائه نماییم؛ لذا در هر صفحه، درخت‌واره‌ها و تابلوها (شبهات وهابیان) در وسط قرار داده شده و پاسخ آن در قطعات رنگی اطراف ارائه شده است.
۲. مخالف در نوشتار خود، مدارک نسبتاً ناقص هر صفحه را در انتهای آن صفحه آورده است؛ ما نیز برای حفظ تشابه کار و نیز اختصار، مستندات پاسخ‌های خود را در بخش جداگانه‌ای در ذیل هر صفحه ارائه کرده‌ایم.
۳. خوانندگان محقق اگر به دانستن پاسخ‌های تفصیلی یا مستندات بیشتری بر مباحث این کتاب علاقه مند باشند، می‌توانند به آدرس اینترنتی [www.monagroup.blogfa.com](http://www.monagroup.blogfa.com) مراجعه نموده و پرسش‌های خود را نیز مطرح نمایند.

۱۰. دانشمندان بزرگ شیعه در کتاب‌های احقاق الحق، عبقات الانوار، الصراط المستقیم، الغدیر و... به تفصیل این شبهات را بررسی کرده‌اند.





# به فرض اثبات رابطه‌ی دامادی عثمان با پیامبر اکرم ﷺ، نه دوستی میان آن‌ها ثابت می‌شود و نه غصب خلافت توجیه می‌گردد!

زینب، ریبیه‌ی پیامبر ﷺ و دختر خواهر خدیجه است. او همسر ابو العاص بن الربیع بود که ۱ ماه بعد از جنگ بدر به مدینه هجرت کرد؛ در راه مشرکین مکه او را با نیزه مجروح کردند که جنینش را سقط کرد و پس از چندی در سال ۸ هجری درگذشت.

(مسند احمد، ج ۲، ص ۱۲۶-۲۲۸؛ ذخائر العقبی، ص ۱۶۲؛ المستدرک (حاکم نیشابوری)، ج ۴، ص ۴۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۳۵.)

ابن ابی الحدید می‌گوید: جریان کشته شدن زینب توسط هبار بن اسود و مباح دانستن خونش توسط پیامبر ﷺ را برای استاد ما زگو کردم. گفت: وقتی پیامبر ﷺ خون کسی که زینب را مجروح کرده بوده، مباح کرد؛ اگر زنده بود، قطعاً خون کسی را نیز که فاطمه را مجروح کرد (تا حدی که فرزندش سقط شد) مباح می‌دانست.

(شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۹۳.)

ام‌کلثوم، دخترخوانده‌ی پیامبر ﷺ بود که بعد از بعثت به دنیا آمد و عثمان پس از فوت رقیه با او ازدواج کرد و در سال ۸ هجری از دنیا رفت.

(ذخائر العقبی، ص ۱۶۲؛ المواهب اللدنیة، ج ۱، ص ۱۹۷.)

عرب، دخترخوانده را بنت می‌خواند، همان‌گونه که پسر خوانده را پسر می‌خواند. (احزاب/۳۶-۴۰). زینب و رقیه، دختران خواهر خدیجه بودند که در خانه‌ی پیامبر ﷺ بزرگ شدند و به همین دلیل برخی آنان را دختران پیامبر ﷺ پنداشتند. (مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۹). مطابق رأی مورخان، دختران پیامبر ﷺ همگی بعد از اسلام متولد شدند. (ذخائر العقبی، ص ۱۵۲؛ البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۹۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۱۸۸). پیامبر اکرم ﷺ خطاب به امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: به تو سه چیز داده شده که به احدی حتی به من داده نشده است: ... به تو مقام دامادی من عنایت شده است. (احقاق الحق، ج ۵، ص ۷۴؛ نظم در السمعین، ص ۱۱۴؛ مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۱۰۹). یعنی رسول خدا ﷺ هیچ دامادی جز امیرالمؤمنین ﷺ نداشتند.

سرور زنان عالم که در سال ۵ بعثت متولد شدند، تنها مصداق عبارت «نساءنا» در آیه‌ی مباحله‌اند. ایشان در سال ۲ هجری به امر الهی با امیرالمؤمنین ﷺ ازدواج کردند و در اثر مصائبی که پس از سقیفه بر ایشان وارد شد، به شهادت رسیدند. (اهل تسنن؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۳؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۹؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۵؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۹؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۸؛ شیعیه؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.)

برخی گفته‌اند پیامبر دختری به نام رقیه داشتند، اما او کوچکترین دختر ایشان بود که بعد از بعثت به دنیا آمد و در شیر خواری از دنیا رفت.

(الإصابة، ج ۴، ص ۳۰۴-۲۹۹ و دلائل النبوة، ج ۲، ص ۷۰.)

رقیهه اگر دخترخوانده‌ی پیامبر ﷺ باشد، دختر شوهر خواهر خدیجه است که در مکه با عثمان ازدواج کرد و در اثر آزار و اذیت عثمان، در ۲ هجری از دنیا رفت. جالب توجه است که عایشه نیز عثمان را در مرگ رقیه و ام‌کلثوم مقصر می‌دانست.

(مسند احمد حنبلی، ج ۳، ص ۲۲۹؛ اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۷؛ الغدیر، ج ۵، ص ۳۲۹ و ج ۹، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.)

دلیل تزویج رقیه - دخترخوانده‌ی رسول خدا ﷺ - با عثمان زینبیه زیاد او و نزدیک کردن قلب عثمان به اسلام بود؛ زیرا در تاریخ آمده است پس از این که کاهنی خبر از نبوت رسول خدا ﷺ به عثمان داد، او با ابوبکر عهد بست که اگر پیامبر ﷺ رقیه را - که از زینبیه زیادی برخوردار بود - به تزویج او درآورد، اسلام خواهد آورد.

(ذخائر العقبی، ص ۱۶۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۲۲.)



آیا می‌دانید؟



# ازدواج پربركت على بن ابى طالب و فاطمه زهرا عليهم السلام و اخبار گزینشی

برخلاف آنچه این جا به صورت ناقص آمده است، ابوبکر، عمر و سعد، حضرت زهرا علیها السلام را از پیامبر صلی الله علیه و آله برای خود خواستگاری کردند ولی جواب رد شنیدند. آنان بر آن شدند تا امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز برای این کار بفرستند. امیرالمؤمنین علیه السلام خود به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و از حضرت زهرا علیها السلام خواستگاری کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله در همان مجلس فرمودند: او (علی علیه السلام) کسی است که خدا و رسول صلی الله علیه و آله او را دوست دارند و او نیز، خدا و رسول صلی الله علیه و آله را دوست دارد. (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۵.)

در روایات شیعه آمده که غذای عروسی امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، خرما و روغن بوده است. در روایت دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی علیه السلام، گوشت و نان از ما و خرما و روغن از تو. (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۵؛ خرائج، ج ۲، ص ۵۳۵.)

**زمان و مکان:** سال ۲ هـ بعد از بازگشت از جنگ بدر در مدینه.

**خواستگاری:** ابو بکر صدیق، عمر بن خطاب و سعد بن معاذ از وی برای حضرت علی علیه السلام خواستگاری کردند.

**مهریه:** زره حطمی، که به حضرت عثمان به ۴۰۰ درهم فروخته بود و حضرت عثمان پس از پرداخت پول، زره را نیز به عنوان هدیه به وی برگردانده بود.

**لوازم عروسی:** ابو بکر صدیق، بلال و سلمان فارسی بر اساس راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله لوازم را خریدند که شامل فرش، تکه ای چرم، ظرفی برای آب، کوزه، عبا، خبیری، و عصا بود.

**خانواده:** یکی از اصحاب به نام حارثه بن نعمان انصاری رضی الله عنه خانه ای به آنها هدیه داد.

**کتاب‌ها:** (۱) کشف الغممه اثر اربلی (۲۲۲)، (۲) فضائل احمد بن حنبل حدیث (۱۱۸)، (۳) طبقات کبری اثر ابن سعد (۸ ص ۱۱۲)، (۴) بحارالانوار اثر مجلسی (۳۳ ص ۱۲۰).

**مهریه**  
از مجموع روایات موثق شیعی درباره مهریه ایشان درمی یابیم که مهر ایشان ۵۰۰ درهم بوده است (که البته ارزش درهم از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تغییر کرده و به نقلی ۶ برابر شده است.) و زره و لباس و زیورانداز هم، به عنوان شرایط ازدواج ضمیمه گشته است. (کافی، ج ۵، ص ۳۷۷.)

در روایتی آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله مقداری پول به مقدار دادند که لوازم منزل و عطر تهیه کند. (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۰.)

این دو کتاب از منابع اهل تسنن اند و بسیاری از مطالب آن‌ها مورد تأیید علمای شیعه نیست.

مجموعه‌ی بحار در برخی مدارک تاریخی به جهت احتجاج با اهل تسنن از منابع آنان استفاده کرده است. این، دلیل بر تأیید اخبار اهل تسنن، توسط علمای شیعه نیست. به علاوه، راویان این دو روایت به ترتیب زهری و خواریزی هستند که از راویان سنی مذهب اند که دارای منقولات درست و نادرست اند.

مرحوم اربلی در جمع آوری کتاب کشف الغممه به جهت احتجاج با اهل تسنن، مطالبی را از منابع آنان آورده است. چنان که نویسنده‌ی این مطالب (کتاب رابطه‌ی دوستی و خویشاوندی میان اهل بیت و صحابه) در استفاده از بحار نیز، همین کار را کرده؛ یعنی بخشی از بحار را آورده، بدون این که کل کتاب، مورد تأییدش باشد.







شرکت امام حسین علیه السلام در فتوحات خلفا در هیچ یک از منابع و مآخذ شیعی ذکر نشده است. برخی منابع اهل تسنن تلاش کرده اند که حضور آنان را در بعضی فتوحات نشان دهند. منابع ذکر شده در این نوشته همگی از منابع اهل تسنن اند که نزد شیعه اعتباری ندارند. قابل تأمل است که حتی با بررسی منابع اهل سنت، به عدم حضور امام حسین علیه السلام در جنگ ها پی می بریم.

درباره ی فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام و اشتباهات این کتاب خویشاوندی، در صفحه ۱۰ به تفصیل سخن گفتیم.

# امام حسین علیه السلام

## حسین بن علی علیه السلام حویله عنها

(در سال ۲ هجری قمری و در سال ۶۱ هجری شهادت رسید)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ( الحسن والحسین سیدا شباب اهل الجنة ) .  
(حسن و حسین سرور جوانان بهشتند)

روایت شده از امام احمد، نسائی، ترمذی و ابن ماجه

### جهاد ایشان:



- ۱) سیر اعلام النبلاء، ۲/۱۲۵ و نسب قریش اثر ابن بکیر، ۲۵/۵
- ۲) الارشاد اثر مفید، ص ۲۸ و تاریخ طبری، ۳۵۹/۳ و نسب قریش، ۳۰/۲
- ۳) تاریخ طبری، ۲۷/۵ و الکامل فی تاریخ اثر ابن اریز، اوقات سال ۳۰ هـ و تاریخ ابن خلدون، ۱/۲۵۲
- ۴) البداية و النهایه اثر حافظ ابن کثیر، ۱۵۱/۸ و تاریخ طبری، ۱۲۸/۶ و بیه الطلب فی تاریخ حلب اثر ابن عذیم، ۸۳
- ۵) تاریخ ابن خلدون، ۱/۲۸۲
- ۶) منتهی الامال اثر قمی، ص ۵۸ و نفس المهموم اثر عباس قمی، ص ۳۶۵
- ۷) تاریخ طبری، ۳۳۶/۴ و مقاتل الطالبین اثر ابی الفرج اصفهانی، ص ۸۰ و املی الصمدی، ص ۲۲۶
- ۸) بحار الأنوار اثر مجلسی، ۳۳۳/۴ و تاریخ دمشق اثر حافظ بن یونس، ص ۱۱۶/۱۲ و اعیان الشیعه، ۲/۶ و السلسله السنیة اثر مرتضی مطهری، ۱/۹۱

### فرزندان

علی (زین العابدین)، محمد، جعفر، علی اکبر، سکینه، فاطمه (و عمر و عبدالله طبع و علی اصغر که در سن آن اختلاف است) (۱).

### برادران و فوهران

علی بن ابی طالب پسران زیادی داشته است که مشهورترین آنان عبارتند از:  
- حمزه (ابن الحنفیه)  
- محمد (ابن الحنفیه)  
- ابویکر، عباس، عثمان، جعفر، و عبدالله که با حسین شهید شدند.  
- عمر (که دیرتر از پسران دیگر سیدنا علی وفات نمود) (۲)

### دامادها

همسران	همسران
سکینه	فاطمه
عبدالله بن حسن بن حسین	حسن بن حسن
علی بن ابی طالب	بن علی بن ابی طالب
مصعب بن زبیر	عبدالله بن عمرو
بن عوام	بن عثمان بن عفان
اصعب بن عبدالعزیز	عبدالله بن عثمان بن عبدالله
مروان بن حکم	بن حکیم بن حزام
زید بن عمرو	ابو نعیم بن عبدالرحمن
بن عثمان بن عفان	بن عوف

بنی امیه برای دست یابی به کوچک کردن آل علی اهداف خود را بر فرزندان امام حسین علیه السلام متمرکز کردند و به عنوان مثال به حضرت سکینه شوهران متعدد از دشمنان اهل بیت نسبت دادند. از طریق تاریخ نویسان شیعه برای حضرت سکینه، به جز عبدالله بن حسن، هیچ همسری ذکر نشده و فرزندی نیز به ثبت نرسیده است. آن بانو مانند پدر بزرگوار خویش دارای کمالات بسیار بود. امام حسین علیه السلام می فرماید: دخترم سکینه غالباً غرق در عبادت پروردگار است.

فاطمه در زهد و ورع مرتبه ی والا داشت. وی با حسن بن حسن المجتبی علیه السلام ازدواج کرد که در سی و پنج سالگی وفات نمود. سپس عبدالله بن عمرو بن عثمان از این بانو خواستگاری کرد اما وی رضایت نمی داد. او به اصرار مادرش - ام اسحق - به این ازدواج رضایت داد.

(مقام زخار، ص ۶۶۳)

شیعه معتقد است که اگر کسی بدون عذر و بدون اذن امام حسین علیه السلام در جنگ شرکت نکرده باشد نزد خدا پاسخ گو باشد و اعتقادش به امامت خدشه دار است. بنابراین، ممانعت از رفتن امام حسین علیه السلام به سمت کوفه، به شماتت یا به نصیحتی که در آن بی اعتقادی به امامت باشد، به هیچ وجه یاری محسوب نمی شود. لذا این افراد به حقیقت در دسته ی تحقیر کنندگان قرار می گیرند.

البته محمد بن الحنفیه و عبدالله بن جعفر - شوهر حضرت زینب علیه السلام - از طرف امام اجازه داشتند که با ایشان نروند. به علاوه دو فرزند عبدالله بن جعفر به امام حسین علیه السلام پیوستند و به درجه ی رفیع شهادت نائل گشتند. (بحار، ج ۴۴، ص ۱۸۵)

اما ابن زبیر و ابن عمر، بدون اذن و اجازه امام حسین علیه السلام از رفتن با ایشان خودداری کردند و این بدان معنا است که از یاری امام حسین علیه السلام امتناع کردند. (الکامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۶۶؛ مثله النویری، نهاییه الإرب، ج ۲۰، ص ۳۸۵) در تاریخ آمده است که ابن عمر در مقابل گرفتن صد هزار درهم ولایت عهدی یزید را پذیرفت و سکوت کرد. (العواصم من القواصم، ص ۲۱۴-۲۳۴؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۵۹)



## قبل از جنگ: معاویه

بدون شک نقشه‌ی شهادت امام حسین علیه السلام توسط خود معاویه صورت گرفت. او به گونه‌ای طراحی کرد تا نشان دهد گویی یزید در شهادت امام علیه السلام هیچ دخالتی ندارد. یزید این برنامه را اجرا کرد اما نتوانست نقش خود را کم رنگ جلوه دهد.

این معاویه بود که شش نفر از دشمنان قسم خورده‌ی ائمه علیهم السلام را به ولایت عهدی کوفه گمارد و قصد داشت که اولاً کسانی که با ولایت عهدی یزید مخالف‌اند، از بین بروند. هم چنین شیعیان کوفه - که در آینده ممکن است به کمک سید الشهداء علیه السلام بروند - سرکوب شوند و کوفه از وجود آنان خالی گردد. قابل توجه است که عمده‌ی این کشتارها توسط ابن زیاد صورت می‌گرفت. (أسد الغابه، ج ۱، ص ۶۹۷؛ استیعاب، ج ۱ و ۳، ص ۱۷۴ و ۳۲۹؛ ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا، سید علی میلانی، ص ۶۴ تا ۱۱۹.)

و از کسانی که با ایشان به مبارزه پرداختند، یزید است که در بخش تحقیر کنندگان بدان می‌پردازیم. کسانی هم که امروز زائران امام حسین علیه السلام را قتل عام می‌کنند و هم چنین نویسندگانی که کار این امام همام علیه السلام را نادرست شمرده و کورکورانه تقبیح می‌کنند، نیز در شمار مبارزه کنندگان با ایشان به شمار می‌آیند.

## قبل از جنگ: ابن زیاد

ابن زیاد یکی از عمال بنی امیه و سرسپردگان یزید بود. او با ایجاد رعب، ناامنی، مصادره اموال، کشتار و زندانی کردن بزرگان شیعیان واقعی، مانع از پیوستن آنان به لشکر امام حسین علیه السلام شد. (ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا، ص ۱۸۷-۲۰۳ به نقل از مدارک بسیار معتبر عامه.) وی این گونه اقرار کرده: من بین دو امر مخیر بودم، حسین علیه السلام را بکشم و یا کشته شوم، پس من قتل او را برگزیدم. (کامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۴۰.)

دوستی  
میان اهل

## که با ایشان به مبارزه برخواستند

جنگ: کوفه و فرزندان ایشان که به جنگ او رفتند (۶).  
بن جنگ: الله بن زیاد (کسی که فرمان جنگ را صادر کرد)، بن سعد (فرمانده لشکر)، ولشکری که با او جنگید، صا دو نفری که بر قتل وی نقش مستقیم داشتند؛ ان بن انس النخعی - شعر بن ذی الجوشن (۷).

## نی که ایشان را تمقیر نمودند

ماعتی از اهل کوفه که با نامه‌ها و نوشته‌هایشان به مهلهکه انداختند (۸).  
یزید بن معاویه که به یاری حسین نشنفت، نی را که با حسین جنگیده بودند به سزای ان نرساند و فقط عیدالله بن زیاد را سرزوش به پرداخت دیه آل حسین اکتفا کرد (۹).

## سانی که ایشان را یاری دادند

از جنگ: محابه و اهل بیت که از ایشان خواستند تا به کوفه ده‌مانند: ابن عباس، ابن عمر، ابن زبیر، محمد بن ابن الحنفیه، عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، الله بن مطیع، عبد الله بن عیاش، یزید بن الأصم و واقد لیثی (۱۰).  
بن جنگ: ورائش: ابوبکر، عباس، عثمان، جعفر، و عبدالله، انش و پسرهای برادرانش، و جمعی از یاران‌اش نند حر بن یزید تمیمی (۱۱).  
از جنگ: مایی که مبارزه کنندگان با وی را فاسق شمرده کم عدم عدالت آنان را صادر کردند همانند: ویکر بن خلال که گفته است: لعنت خدا بر کسی که یزید بن علی، عمر، عثمان، و علی را به قتل رساند (۱۲).  
نی الدین ابن تیمیه که گفته است: لعنت خداوند و که و همه مردم بر کسی که حسین را کشت، در او شریک و یا راضی به آن بود (۱۳).  
طبی کسی است که در مورد حسین علیه السلام و قاتل گفته است: "خدا حسین را مورد رحمت قرار دهد و او را مورد رحمت قرار نهد" و همچنین: او را از او راضی باد و از قاتلش راضی مباد (۱۴).

## نقش یزید در حادثه عاشورا

یزید نه تنها به یاری امام حسین علیه السلام نشنفت، بلکه بنابر منابع و مدارک اهل سنت و شیعه، اکیداً دستور قتل امام حسین علیه السلام را به کارگزاران خود داده بود. (ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا، ص ۱۲۳-۱۵۳.)

یزید به ولید نامه نوشت که باید از امام حسین علیه السلام بیعت بگیری و در صورتی که امتناع کرد، گردن او را بزن.

(ارشاد، ج ۲، ص ۳۱-۳۲؛ بحار، ج ۴۴، ص ۳۲۶؛ عوالم (بحرانی)، ج ۱۷، ص ۱۷۶؛ کامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۶۴-۲۶۵؛ نهایة الإرب، ج ۲۰، ص ۳۸۰؛ منتخب، ج ۲، ص ۴۲۰؛ مقتل الحسین (خوارزمی)، ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۶.)

یزید گفت: پدرم مرا ولی عهد خود قرار داد و وصیت کرد انتقام آل ابوسفیان را از آل ابی تراب بگیرم. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۱.) علمای زیادی مانند ابن عساکر، ذهبی، ابوالفرج ابن جوزی حنبلی، سیوطی و... می‌نویسند: یزید در نامه‌اش به ابن زیاد دستور قتل امام حسین علیه السلام را داد. (مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۳۹؛ تاریخ مدینه دمشق، شرح حال امام حسین، حدیث ۲۵۹-۲۶۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۱۳۹؛ الرد علی المتعصب العنید، ۴۹؛ تاریخ الخلفاء، ۲۰۷.)

شایان ذکر است کسانی که برای حضرت علیه السلام دعوت نامه فرستادند همگی از شیعیان خالص نبودند، اینان سه دسته بودند:

۱. خوارجی که در کوفه زندگی می‌کردند.

۲. عمال و پیروان بنی امیه.

۳. شیعیان خالصی که در اقلیت بودند. (ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا، ص ۱۵۷-۱۸۷.)

تفضیل این گروه‌ها در صفحه‌ی بعد قابل ملاحظه است.

## بعد از جنگ:

عاشورا، ثمره‌ی سقیفه:

عاشورا ریشه در سقیفه دارد زیرا، به طور قطع و یقین لعن قاتلان امام حسین علیه السلام به یزید برمی‌گردد و یزید را معاویه به ولایت عهدی برگزید، پس معاویه مورد لعن قرار می‌گیرد و لعن او لعن خلفای قبل را در پی خواهد داشت. به علاوه علمایی هم چون: عبدالمغیث بن زهیر حنبلی و تفتازانی - از علمای اهل تسنن - به این مطلب تصریح کرده‌اند و برای جلوگیری از لعن خلفای پیشین، از لعن قاتلان امام حسین علیه السلام ممانعت نموده‌اند. (شرح المقاصد، ج ۵، ص ۳۱۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۱۶۱.)

هم چنین ابن تیمیه به تکذیب حادثه‌ی عاشورا و به دفاع از یزید پرداخته است. (منهاج السنه، ج ۴ ص ۴۷۲.)

یزید و ابن زیاد، کشتن اصحاب سیدالشهدا علیه السلام را در مقابل کشته‌های بدر دانستند. یزید پس از کشتن امام علیه السلام آرزو کرد که نیاکان کشته شده‌اش در جنگ بدر زنده بودند و به او تبریک می‌گفتند. وی کشتن سبط گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله را، خون بهای کشته‌های کفار جاهلی که در مقابل لشکر رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار داشتند، قرار داد. (بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۵۴؛ البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۹۲ (لیت اشیاخی بیدر شهدوا...))



# توضیحاتی تکمیلی در مورد امام حسین علیه السلام

## بررسی گزارش‌های اهل تسنن

۱. برخی گزارش‌ها فاقد سند است و بعضی از راویان، دروغگو و جاعل هستند.
۲. اخبار تاریخی‌ای که به حضور امام حسین علیه السلام در ایران تصریح کرده‌اند، هیچ‌گونه اشاره‌ای به حضور این دو امام بزرگوار علیهما السلام در جنگ نداشته‌اند.
۳. بلاذری این مطلب را با عبارت «گفته شده» و یا «می‌گویند» ذکر می‌کند که نشان از راوی گمنام دارد و خبر را از اعتبار ساقط می‌کند. جالب تر آن‌که هیچ‌کس، شاهد حضور آنان در جنگ نبوده است.
۴. طبری در شمار همراهان جنگ، دو خبر با یک سند نقل کرده است که در یکی نام این دو امام علیهما السلام ذکر شده و در دیگری یاد نشده است.
۵. البته در یکی از منابع، به سفر این دو امام علیهما السلام به بعضی از شهرهای ایران در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره شده است که بر فرض صحت ربطی به دوران خلفا و فتوحات ندارد. (سهمی، تاریخ جرجان ص ۱۹).

## اهل کوفه چه کسانی‌اند؟

در کوفه مجموعه‌ای از قبایل مختلف زندگی می‌کردند، شامل: خوارج، عثمانی‌ها (طرفداران بنی امیه)، سنی‌های مخالف عثمان، شیعیان خالص، موالی و لشکر شام. اکثر کسانی که دعوت‌نامه برای امام حسین علیه السلام فرستادند از شیعیان خالص نبودند. لازم است درباره‌ی این گروه‌ها توضیح دهیم.

۱. خوارج: اینان دشمنی دیرینه‌ای با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان و هم‌چنین با معاویه داشتند. برای آنان هر کدام که زودتر کشته می‌شد اولویت داشت.
۲. عثمانی‌ها: اینان طرفداران بنی امیه بودند که در طول حکومت معاویه در کوفه ساکن شده بودند. اما سران خوارج نیز منافقانه از عمال و پیروان بنی امیه بودند که در راستای اهداف آنان، گروه خود را رهبری می‌کردند. مانند شیب بن ربیع، شمر بن ذی الجوشن، قیس بن اشعث، حجار بن ابجر، یزید بن حارث و عروة بن قیس. این‌ها از جمله افرادی بودند که برای امام نامه نوشتند و حال آن‌که از فرماندهان لشکر عمر سعد بودند. امام در روز عاشورا به آنان فرمود: آیا شما نبودید که برای من نامه نوشتید و دعوتم کردید؟ شیب بن ربیع گفت: من با تو بیعت کردم و الآن به تو خیانت می‌کنم. (الأرشاد، ج ۲، ص ۹۸؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۱۲).
۳. سنی‌های مخالف عثمان: اینان تابع امامان علیهم السلام نبودند. دو خلیفه و نیز اهل بیت علیهم السلام را دوست داشتند، اما به جهت خطاهای عثمان به مدینه آمده و عثمان را کشته بودند و از عثمان کینه به دل داشتند. اهل سنت به غلط این‌ها را شیعه می‌خوانند، در حالی که این‌ها شیعه‌ی اعتقادی نبودند.
۴. شیعیان خالص: این گروه در اقلیت بودند. اینان علاوه بر دعوت امام علیه السلام، تا آن‌جا که توانستند حضرت علیه السلام را یاری کردند. مانند سعید بن عبدالله حنفی، عابس شاکری، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه.
۵. لشکر شام: لشکریایی که در پادگان‌های اطراف کوفه مستقر بود تا مانع استقلال خواهی دیرین عراقیان شوند. خوارج و عمال بنی امیه، امام را دعوت کردند، اما نه تنها ایشان را یاری نکردند، بلکه با ایشان هم‌جنگیدند. برخی شیعیان خالص در کربلا در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند. (تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۹۹). اما برخی نتوانستند از محاصره‌ی کوفه فرار کنند و به امام پیوندند. (ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا، ص ۱۵۷-۲۴۷). اهل سنت مخالف عثمان، از محبین اهل بیت علیهم السلام بودند؛ اما محبتشان آن قدر نبود که تا حد شهادت به یاری امام علیه السلام بشتابند و لذا از یاری ایشان خودداری کردند. به این مجموعه باید غلامان و موالی را افزود. این گروه خیل عظیمی بودند که معمولاً - حتی پس از آزادشدنشان - تابع اربابان خود بودند.







# مشکوک بودن اصل ازدواج

روایات اهل تسنن، اعمال زشتی را از عمر نسبت به ام کلثوم نقل کرده‌اند که ساختگی بودن این داستان را بیشتر تأیید می‌کند. مثلاً سبط ابن جوزی با مشاهده‌ی این روایات در کتاب جدش-المنتظم- می‌گوید: به خدا سوگند، این کار زشت و قبیحی است و اگر او کینز هم بود، عمر با او چنین رفتاری نمی‌کرد.

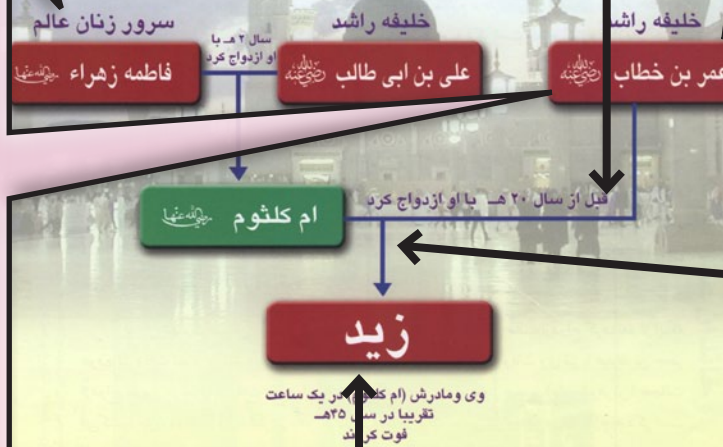
عده‌ای از بزرگان شیعه اصل روایت ازدواج عمر و ام کلثوم را انکار کرده‌اند؛ از جمله شیخ مفید، سید مرتضی و سید ناصر حسین فرزند میر حامد حسین هندی. روایات اهل تسنن و شیعه در این باره نشان می‌دهد که اگر ازدواجی بوده، با اکراه و اجبار انجام شده و امیرالمؤمنین علیه السلام توسط عمر تهدید و مضطر شدند. عمر حتی از تازیانه‌اش در این راه استفاده کرده است!

گفته‌اند که عمر به دلیل روایت نبوی - هر رابطه‌ی نسبی و سببی روز قیامت قطع می‌شود مگر رابطه‌ی سببی و نسبی با پیامبر صلی الله علیه و آله - بر ازدواج با ام کلثوم بسیار اصرار داشت. حال سؤال این است که اگر خانواده‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله محترم‌اند، چرا پاره‌ی تن ایشان را آزرده و آن‌گونه مورد ظلم و ستم قرار داد که به سقط جنین و شهادتشان منجر شد؟

دوستی و خویشاوندی میان اهل بیت و اوصیاء

زید بن عمر بن خطاب رحمه الله  
با افتخار می‌گفت:

## من فرزند دو خلیفه هستم



از روایات اهل تسنن بر می‌آید که ام کلثوم در زمان معاویه درگذشته؛ چرا که تصریح شده امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در نماز بر او حضور داشته‌اند. پس این ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین علیه السلام نبود؛ چرا که ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین علیه السلام، به همراه خواهرش زینب در واقعه‌ی کربلا حضور داشته و هنگامی که به عنوان اسیر به کوفه برده شد، خطبه‌ی معروفی ایراد کرده که متن آن در کتاب‌ها نقل شده است.

برخی دانشمندان گفته‌اند عمر همسری به نام ام کلثوم داشت که دختر امیرمؤمنان علیه السلام نبود؛ بلکه دختر ابوبکر بوده است. از جمله یحیی بن شرف نووی (مهمترین شارح صحیح مسلم) در کتاب تهذیب الأسماء و آیت الله مرعشی نجفی از عالمان شیعه در شرح احقاق الحق این مطلب را نقل کرده‌اند.

قال تعالی: ﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَخُلَافَةٌ لَهُمْ ﴾ (الفتح: ۲۹).  
خداوند می‌فرماید: محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند کافران سخت گیر، و نسبت به همدیگر مهربانند.  
با این ازدواج، مراجع مسلمانان به محبت شدید و ناگسستی بین عمر بن خطاب و علی بن ابی طالب رضی الله عنهما گواهی دادند پس باید از مسایل تحریف شده تاریخی پرهیز کرد.

مهم ترین مراجعی که این ازدواج را ذکر کرده اند

۵۸ - الأصبی لابن المغطیة	۵/۱۸۴ - الذریعة لأغا بزرک العالی	۹/۵۲۵ - کنف الثام للفاضل الهندی
۷۸۳ - بحار الأنوار للمجدلی	۳/۴۴۶ - أعيان الشیعة لمحسن ابن	۲/۸۷۹ - کتابة الأحکام للسیزوی
کثیر - البدایة والنهایة للذکری	۱۲/۶۶۴ - ریاض المسائل للطیبات	۱۵/۲۳۳ - مسائل
۴۵ - تاریخ الإسلام للذکری	۳/۵۰۲ - سیر أعلام النبلاء للحنبل	مختلف الشیعة للحلی
	۸/۴۴۳ - الطبقات الکبری لابن	

در قرآن می‌خوانیم که در صدر اسلام گروهی ادعای ایمان داشتند؛ ولی تحمل هیچ سختی نداشتند و با مسلمانان همراه نبودند. این‌ها یا در جنگ‌ها شرکت نمی‌کردند و یا از آن می‌گریختند. هنگامی که نصرتی به مسلمانان می‌رسید، این‌ها به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گفتند: «إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ»؛ یعنی ما با شمایم! خداوند در پاسخ می‌فرماید که آیا خداوند به حقیقت دل‌هاشان آگاه نیست؟ یعنی قرآن تصریح می‌کند، با این‌که آن‌ها می‌گفتند با پیامبرند و ادعای ایمان داشتند، لکن مؤمن نیستند. آیات قرآن نشان دهنده‌ی نفاق برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. (توبه، ۷۶ و ۱۰۱؛ منافقون، ۱). بنابراین، همه‌ی مسلمانان شایستگی صفت با پیامبر بودن (والذین معه) را ندارند و این خداست که برخی را مؤمن و برخی را منافق نامیده است. (عنکبوت، ۱۰؛ فتح، ۲۹).

دانشمندان اهل تسنن راویان سند این ازدواج را دروغ‌گو و جاعل و از نظر نقل حدیث، ضعیف و مدلس خوانده‌اند. قابل تأمل است که متن روایات نیز با هم تناقض دارند و یکدیگر را تکذیب می‌کنند. تا جایی که حتی در روایات یک راوی نیز اختلاف و تناقض است. مثلاً ابن سعد، نمازگزار بر پیکر ام کلثوم را دو نفر مختلف معرفی می‌کند!

**مدارک شیعه:**  
کافی، ج ۵، ص ۳۴۶؛ وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۶۱؛ ذخائر العقبی، ص ۲۸۶؛ اجوبة المسائل الحاجیبه شیخ مفید پاسخ پرسش ۱۵؛ المسائل السرویه شیخ مفید پاسخ پرسش ۱۰.

**مدارک اهل تسنن:**  
تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۹، ص ۴۸۳؛ تاریخ الإسلام (ذهبی)، ج ۴، ص ۱۳۸؛ معجم الکبیر (طبرانی)، ج ۳، ص ۴۵؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۷۲؛ الإصابة فی تمییز الصحابة، ج ۸، ص ۴۶۵؛ الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۵۰۱؛ أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۶۱۴؛ مصنف، ج ۶، ص ۱۶۳؛ وافی بالوفیات (صفدی)، ج ۲۴، ص ۲۷۲.







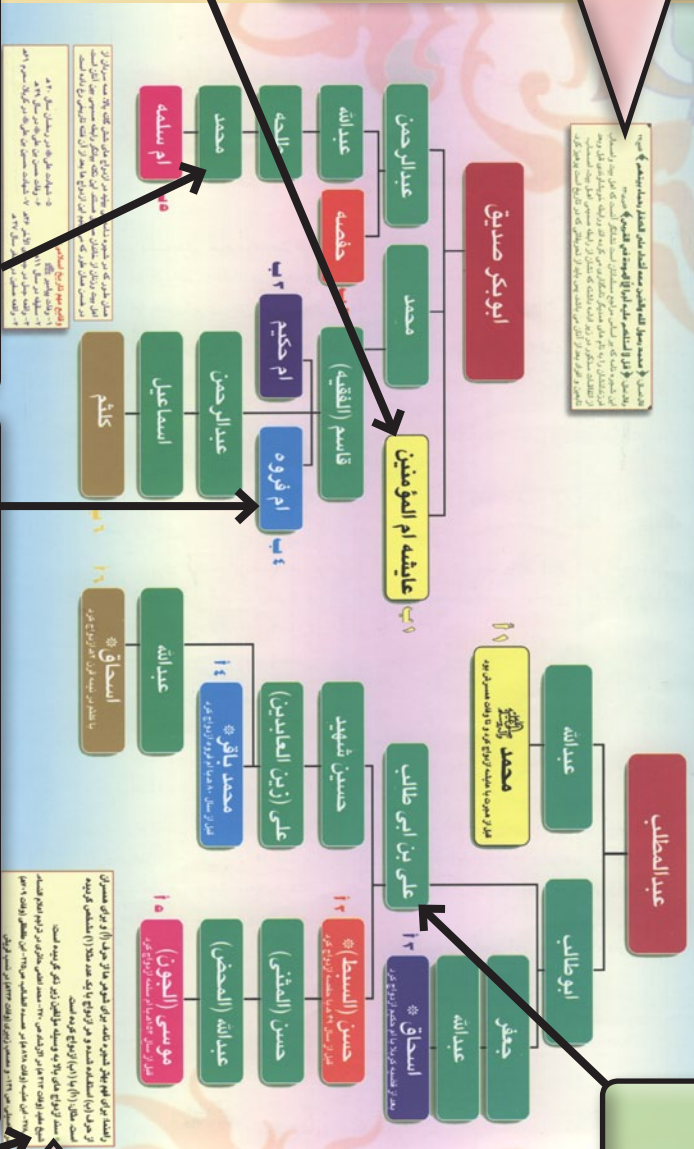
منظور از قرنی فقط اهل بیت اند. (پیامبر اکرم ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ، حضرت زهرا ﷺ، امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ)

در قرآن می‌خوانیم که در صدر اسلام گروهی ادعای ایمان داشتند؛ ولی تصفیل هیچ سختی نداشتند و با مسلمانان همراه نبودند. این‌ها یا در جنگ‌ها شرکت نمی‌کردند و یا از آن می‌گریختند. هنگامی که نصرتی به مسلمانان می‌رسید، می‌گفتند: «اَنَا كُنَّا مَعَكُمْ». یعنی ما با شما ایم! خداوند در پاسخ می‌فرماید که آیا خداوند به حقیقت دل‌هاشان آگاه نیست؟ یعنی قرآن تصریح می‌کند، باین‌که آن‌ها می‌گفتند با پیامبرند و ادعای ایمان داشتند، لکن مؤمن نیستند. بنابراین، همه‌ی مسلمانان شایستگی صفت با پیامبر بودن (والذین معه) را ندارند و این خداست که برخی را مؤمن و برخی را منافق نامیده است. (عنکوت، ۱۰، فتح، ۲۹)

## نقش هدایت‌گری فرزندان امیرالمؤمنین ﷺ با ایجاد خویشاوندی سببی

دوستی و خویشاوندی میان اهل بیت و اصحاب

خویشاوندی سببی میان خاندان پیامبر ﷺ و خاندان ابوبکر صدیق



**نشانی از محبت یا کینه‌توزی؟!**   
عایشه می‌گوید: نه، نه، من هرگز علی را به امارت نمی‌پذیرم و از رفتن به زیر فرمان وی ابا و امتناع دارم.  
وقتی خبر شهادت امیرالمؤمنین ﷺ به گوش او رسید، سجده‌ی شکر به جا آورد و اظهار سرور و شادی نمود و از وجود و خوش حالی این شعر را خواند: «علی برفت و دیگر برای وی باگشتی نیست.» با شهادت آن امام، وی آن چنان در دل خود احساس شادی و سرور نمود که خانواده‌ی مسافر، از برگشتن مسافر عزیزشان احساس سرور می‌کنند. او می‌گفت: آری با رفتن علی چشم من روشن گردید. هم چنین عایشه کسی بود که جنگ جمل را در مقابل امیرالمؤمنین ﷺ به راه انداخت.

محمد بن ابی بکر فرزند اسماء (همسر جعفر بن ابی طالب، که بعد از شهادت جعفر، به همسری ابوبکر در می‌آید) است و هنگامی که ۲ ساله بوده، ابوبکر از دنیا می‌رود و محمد تحت تربیت امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند. او [محمد] دوست من بود و چون فرزندم او را پرورش داده بودم و من پدر او بودم، او تربیت شده‌ی من بود و در خانه‌ام رشد یافت. او برای فرزند من، برادر به حساب می‌آمد و او را فرزند خود می‌دانستیم.

ارزش ام‌فروه به تقوای خودش بود نه انتسابش به ابوبکر، امام صادق ﷺ فرمودند: مادر من بانویی مؤمن، متقی و نیکوکار بود... او از مدافعان فقه اهل بیت بود.  
**ازواج با مخالفان چرا؟!**   
خاندان ائمه‌ی اطهار ﷺ خانم‌های خوب چنین خانواده‌هایی را به همسری فرزندان خود در می‌آوردند تا با این کار، هم از کینه‌توزی آنان بکاهند و هم بتوانند معارف صحیح دین خدا را در بین آن‌ها گسترش دهند. چنین ازدواج‌هایی نشانه محبت به اعمال نشت مخالفان و تأییدشان نیست.

امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: آگاه باشید! به خدا سوگند ابوبکر جامه‌ی خلافت را به ناحق به تن کرد. صبر کردم در حالی که خار در چشمم و استخوان در گلو داشتم و دیدم که میراثم را به یغما می‌برند. خدا یا! قریش را خوار گردان که ایشان مرا از دست یابی به حقم منع کرده؛ امر مرا غضب کردند. کجایند آنان که به دروغ و از روی سرکشی بر ما گمان بردند که آنان را سخنان در علم‌اند.

ازدواج‌ها لزوماً ارزش انسان‌ها را بالا یا پایین نمی‌برند، همانند زن‌های حضرت نوح و لوط و آسیه همسر فرعون، زنان لوط و نوح با همسری پیامبر خدا ارزش وجودیشان هم چنان پست باقی ماند و آسیه در همسری با فرعون از ارزش وجودی و الایش چیزی کم نشد. (تحریم، ۱۰ و ۱۱)

در این مدارک تنها ارشاد شیخ مفید و تراجم اعلام النساء حائری، شیعی است. شیخ مفید هم در ارشادش، زمانی که در مورد اهل بیت و خاندان آن‌ها صحبت کرده، از ام‌فروه همسر امام باقر ﷺ سخن به میان آورده است.

مدارک شیعی: نهج البلاغه، ج ۲۱۷؛ الغارات، ص ۱۵۸؛ نقش عایشه در تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۴۲۹؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۴۳۰؛ کافی، ج ۱، ص ۴۷۲؛ کافی، ج ۴، ص ۴۲۸؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۷، ج ۱.  
مدارک اهل تسنن: تاریخ مدینه دمشق، ج ۴، ص ۲۲۵؛ البداية و النهایة، ج ۸، ص ۴۳؛ الإستیعاب، ج ۱، ص ۱۴۱؛ الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۴۰؛ انساب الاشراف، ج ۵، ص ۵۰۵؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۱۱۵؛ الکامل فی التاريخ، ج ۱۳، ص ۳۹۴.







